

Similarities and Differences Between Islamic and Western Lifestyles with Emphasis on the Quran and the Hadiths of Ahl al-Bayt (A)

Sayyid Mahdi Hosseini ¹  Sayyid Mahdi Mohammadi ²  Sayyid Abbas Mousavi ³ 

1. PhD Candidate in Islamic Jurisprudence and Islamic Studies, Specializing in Quranic Interpretation and Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)
2. Assistant Professor of Islamic Jurisprudence and Islamic Studies, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
3. Assistant Professor of Educational Jurisprudence, Higher Institute for Jurisprudential Studies, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Corresponding Email: mah_hosseini21@yahoo.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2024.451300.1339>

Article History:

Received: 2024-04-09
Revised: 2024-10-29
Accepted: 2024-11-09
Online First: 2025-03-12

Keywords

Islamic civilization,
Western civilization,
lifestyle,
Islam,
West.

Type of Article:

Review

Abstract: Lifestyle encompasses a set of preferences, values, norms, consumption patterns, and perceptions that, as a shared and collective phenomenon, symbolically contribute to the identity formation of individuals and societies. Given this, a comparative study of Islamic and Western lifestyles – where the latter is rooted in Western civilization – gains significance. This study employs a descriptive-analytical method and a library-based approach to examine the similarities and differences between Islamic and Western lifestyles based on Quranic verses and the hadiths of Ahl al-Bayt (A). The findings reveal that both lifestyles emphasize principles such as justice, freedom, human rights, peace, and humanitarianism. However, significant differences exist between the two, as Islamic and Western lifestyles represent two distinct models in moral, cultural, social, economic, and political aspects. Islam places greater emphasis on moral and human values and actively promotes them, whereas the Western lifestyle focuses more on the development of technology and economy, prioritizing individual values over collective ones. This research demonstrates that despite these differences, the mutual development of shared human and social values, as well as the improvement and enhancement of societal conditions and human excellence, remain possible. The results of this study can contribute to structuring and formulating appropriate policies to achieve these objectives.

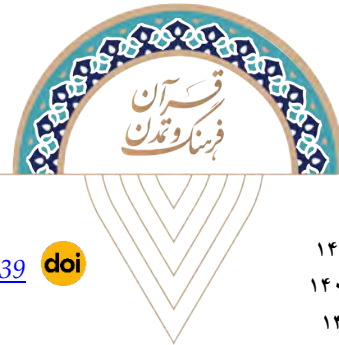
How to cite:

Hosseini, SM ; Mohammadi, SM ; Mousavi, SA. (2025). Similarities and Differences Between Islamic and Western Lifestyles with Emphasis on the Quran and the Hadiths of Ahl al-Bayt (A). *Quran, Culture And Civilization*, 6 (1), 89 - 110. doi: 10.22034/jksl.2024.451300.1339

©2025 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





اشتراکات و افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی با تأکید بر قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام

سید مهدی حسینی^{۱*}

سید مهدی محمدی^۲

سید عباس موسوی^۳

<https://doi.org/10.22034/jksl.2024.451300.1339>



مقاله: مروری

دریافت: ۱۴۰۳-۰۱-۲۱

بازنگری: ۱۴۰۳-۰۸-۰۸

پذیرش: ۱۴۰۳-۰۸-۱۹

انتشار آنلاین: ۱۴۰۳-۱۲-۲۲

چکیده

سبک زندگی مجموعه‌ای از سلیقه‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، نوع مصرف، طرز تلقی‌ها و عمدتاً مبحثی مشترک و جمعی است که به‌صورت نمادین، برای افراد و مجموعه انسانی یک ملت، موجب هویت بخشی در جامعه می‌گردد؛ از این رو، بررسی تطبیقی سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی غربی که برخاسته از تمدن غرب است، اهمیت می‌یابد. بر این اساس، این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای، اشتراکات و افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی را مبتنی بر آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد هر دو سبک زندگی بر اصولی چون عدالت خواهی، آزادی، حقوق بشر، صلح طلبی و انسان دوستی تأکید دارد؛ اما از نظر تفاوت‌ها، سبک زندگی اسلامی و غربی دو الگوی متفاوت از سبک زندگی را در جنبه‌های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد. اسلام بیشتر به ارزش‌های اخلاقی و انسانی توجه می‌کند و به ترویج این مفاهیم می‌پردازد، در حالی که سبک زندگی غربی بیشتر به توسعه فناوری و اقتصاد تمرکز دارد و ارزش‌های فردی را بر ارزش‌های جمعی ترجیح می‌دهد. این تحقیق نشان داد که توسعه مشترک ارزش‌های انسانی و اجتماعی و بهبود و ارتقاء شرایط جامعه و تعالی انسانی، با توجه به تفاوت‌ها و اشتراکات این دو سبک زندگی ممکن است. این نتایج می‌توانند به سازمان‌دهی و تدوین سیاست‌های مناسب جهت تحقق این اهداف کمک کند.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، تمدن غربی، سبک زندگی، اسلام، غرب.

استناد به مقاله:

حسینی، سید مهدی؛ محمدی، سید مهدی؛ و موسوی، سید عباس. (۱۴۰۴). اشتراکات و افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی با تأکید بر قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۱۶(۱)، ۸۹-۱۱۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2024.451300.1339>

۱. دانشجوی دکتری فقه و معارف اسلامی، گرایش تفسیر و علوم قرآن، جامعة المصطفی العالمیة، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mah_hoseini21@yahoo.com

۲. استادیار فقه و معارف اسلام، جامعة المصطفی العالمیة، قم، ایران.

۳. استادیار فقه تربیتی، مجتمع عالی آموزش فقه، جامعة المصطفی العالمیة، قم، ایران.



۱. مقدمه

«سبک زندگی» از مفاهیم تمدنی و به قدمت زندگی بشر بوده است. مطالعات تمدنی و پژوهش‌های باستان‌شناسی و تاریخ‌نگاری‌ها همواره از سبک زندگی بشر بحث کرده‌اند. تمدن‌های باستانی در گستره دنیا با نام‌های مختلف و در دوره‌های گوناگون، از چین، هند، ایران، بین‌النهرین، مصر و یونان گرفته تا تمدن‌های نوظهور معاصر، در یک مفهوم خودساخته به نام «سبک زندگی»^۱ برای جوامع خود مشترک هستند.

زمانی «سبک زندگی» افراد جامعه، با باورها و ارزش‌های دینی حاکم بر آن متناسب خواهد شد که برداشت و ثمره واقعی خود را از جهان‌بینی و ایدئولوژی و از هستی معین کرده باشد. به عبارت دیگر، سبک زندگی گرایش‌ها، تمایلات، عقاید و سلیقه‌های یک فرد و جامعه را منعکس می‌کند. با به‌کارگیری آن می‌توان هنجارهای پنهان در اذهان و باورها و رفتارهای یک جامعه و جهت‌گیری و نوع نگاه آن‌ها به هستی را نشان داد و بر مبنای آن، در زندگی روزمره هدفمندی و غایت زندگی را دنبال کرد. باید در نظر داشت که سبک زندگی ابعاد مختلف سیاسی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی تا روابط اجتماعی در حوزه زندگی فردی و جمعی را دربرمی‌گیرد. از ابعاد مهم و اصلی سبک زندگی معاصر، مسائل و مباحث فرهنگی است که امروزه مورد تأکید جدی سبک زندگی غربی است و آن را به‌عنوان زیربنا و زمینه‌ساز سایر ابعاد در نظر می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۶۷).

تغییر و تحولات علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در سایه انقلاب‌های ملل، رُسناس و دوران نوزایی و نیز مدرنیسم، همراه با اصول حاکم بر مکاتب گوناگون فکری در فرهنگ غرب، سبک خاصی از زندگی را برای مردم زمانه خود ترسیم کردند که در دوران معاصر در کنار تجربه گذشته، به‌عنوان «سبک زندگی غربی» از آن یاد می‌شود. مسلمانان نیز با اتکا به تعالیم دینی و فرهنگی بومی خود، در ظاهر به «سبک زندگی اسلامی» دست یافته‌اند. بدیهی است که تجربه بشر در طول زمان، و رای ارزش‌ها و هنجارهای دینی، به اشتراکاتی در اتخاذ سبک زندگی منجر می‌شود؛ اما تعهد نسبت به ارزش‌ها و اصول حاکم بر تعالیم دینی و تبعیت از آن‌ها در زندگی مسلمانان و نیز تقلید از مسالک و مناهج عرفی مبتنی بر فلسفه زندگی جامعه غربی، سبک زندگی متفاوتی را برای مسلمانان و جامعه غربی ایجاد و ایجاد می‌کند (عرفان و بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۰).

از نظر زمانی، جامعه اسلامی در قسمت عمده‌ای از قرون وسطی، در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، بر سایر تمدن‌ها سیطره داشت؛ درحالی‌که جامعه غربی در افول و رکود به سر می‌برد. البته این وضعیت بعد از دوره رُسناس تغییر کرد و تمدن اسلامی به دلایل گوناگون در رکود ممتدی قرار گرفت؛ درمقابل، جامعه غربی با خروج از انجماد قرون وسطایی و به لطف رُسناس، توانست رشد و توسعه همه‌جانبه یابد (حسین زاده شانه‌چی، ۱۳۷۷، ص ۵۱). در عصر حاضر، جامعه غربی ردای پیشرفت و سیادت پوشیده و سبک زندگی خود را به شیوه‌های گوناگون به دیگر جوامع عرضه و در اکثر مواقع، از طریق تبلیغات و هجمه‌های رسانه‌ای تحمیل می‌کند. سبک زندگی اسلامی مهم‌ترین رقیب فعلی سبک زندگی غربی است. این دو سبک در مسائل مهمی با هم مشترک‌اند و در برخی مسائل نیز افتراق مبنایی و اصولی و روشی دارند. سبک زندگی را می‌توان الگویی از رفتارها و عملکردهای فردی و اجتماعی دانست که بر اساس باورها و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی شکل می‌گیرد (مدنی، ۱۳۹۰، ص ۲۳). سبک زندگی اسلامی و غربی به‌عنوان دو الگوی غالب زندگی معاصر، علاوه بر اشتراک‌های فراوان، تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، به مقایسه این دو سبک زندگی پرداخته است.

با توجه به اینکه دین اسلام تنها دین مشروع الهی است (آل عمران: ۱۹؛ مائده: ۳) و قرآن کریم به عنوان کتاب جامع و جاوید این شریعت الهی، بیان کننده کلیات و تبیین کننده همه چیز است (نحل: ۸۹)، محور اصلی محتوای سبک زندگی اسلامی قرار گرفته است. برنامه ها و تعالیم دینی، دربرگیرنده قوانینی است که نیازهای دنیوی انسان را پاسخ گفته است. بر این اساس، دین عبارت است از اصول علمی و سنن و قوانین عملی که برگزیدن و عمل به آنها، تضمین کننده سعادت حقیقی انسان است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۳۰). بنابراین، دین اسلام و سبک زندگی برخاسته از آن، روشی در زندگی است که منشأ الهی دارد؛ علل پیدایش یا گسترش سبک هایی از زندگی هم که بدون استمداد از وحی و تسلیم مطلق در برابر توصیه های خداوند ترسیم یا پویش می شود، استقلال و انقطاع از خداوند و گرایش به غیر اوست (رسا، فراهانی، ۱۳۹۹، صص ۱۷۹-۲۱۰).

۲. بیان مسئله

تمدن نوین اسلامی گفتمانی جدید بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. در این راستا، امامین انقلاب همواره برای تحقق آن، ارشادات کلامی و عملی ابراز داشته اند. گفتمان «پیشرفت» و نیز «سبک زندگی»، برخاسته از گفتمان کلی تمدن نوین اسلامی است. البته «پیشرفت» در تمدن نوین اسلامی حاصل نخواهد شد، مگر پیشرفت در ساحت «سبک زندگی اسلامی» که پایه اساسی تمدن نوین اسلامی است محقق شود؛ از این رو، رقیب اصلی این گفتمان، یعنی تمدن غرب، تمام تلاش و همت و هیمنه خود را به کار گرفته است تا در این رقابت گفتمانی پیروز معرکه باشد. در این راستا، تمدن غربی از طریق ابزارها، محتواها، اصول و روش های تقابلی، به طرق گوناگونی تلاش دارد استیلای خود را به تمدن اسلامی تحمیل کند. از طرف دیگر، مشکل اساسی در جوامع اسلامی و عمدتاً در کشورهای جهان سوم، شناخت نادرست سبک زندگی مطابق با ویژگی های درونی و ذاتی هر کشور است؛ به گونه ای که جوامع توانسته اند بین باورهای عمیق و بنیادین جامعه خود و ضروریات توجه به سبک زندگی بومی و مطابق در تمام حوزه ها، ارتباط معناداری برقرار کنند. این امر عواقب شومی برای این گونه جوامع در پی داشته است که شاید جبران ناپذیر باشد. به عنوان نمونه، در برخی از جوامع مسلمان، به دلیل غفلت از مدل و سبک زندگی اسلامی، مردم به تدریج دست از باورها و اعتقادات خود برداشته و حتی به نوعی آن را زیر سؤال برده و مربوط به دوران قدیم می پندارند و به تمسخر و تکذیب آن ها دست می زنند؛ از این رو، مؤلفه های اصلی و حیاتی در سبک زندگی، مانند شیوه های کسب درآمد، روش های مصرف، ازدواج، اشتغال، سبک پوشش و تقید به آداب و رسوم و به صورت کلی مقوله فرهنگ، زیست فردی و خانوادگی و اجتماعی به شمار می آید و پابندی به آن، از مهم ترین عوامل حفظ هویت، فرهنگ، سنت ها و ارزش های اعتقادی و بومی یک جامعه قلمداد می گردد (عرفان، ۱۳۹۱، ص ۵۲).

در این راستا، رهبر انقلاب در بیانات متعددی، سبک زندگی را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی برشمرده است؛ از این رو، ایشان تحقق تمدن نوین اسلامی را تکلیفی همه جانبه و رسالت راهبردی قوای انقلاب اسلامی بیان داشته است. طراحی یک الگو و نقشه جامع و برنامه ریزی دقیق، مبتنی بر تحلیل و آسیب شناسی شرایط موجود تا رسیدن به شرایط مطلوب، زمینه و قدم اولیه جهت حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی است (رشادی، ۱۳۹۶، ص ۳۹). اگر جهان در دوره معاصر به نظم نوینی دست یافته باشد، یا به دهکده ای تبدیل شده باشد، یا تمدن ها در آخرالزمان به سوی تقابل و جنگ یا تعامل و گفت و گو حرکت کنند (نک: دوست محمدی، ۱۳۸۰، ص ۸۲؛ فوکو، ۱۳۸۵، ص ۹۲)، سبک زندگی اسلامی و غربی اشتراکات و افتراقات گوناگونی دارد.

«سبک زندگی» در پژوهش های گوناگون و با رویکردهای مختلفی مطالعه شده است. برگزاری کنفرانس ها و همایش های ملی و فراملی در این راستا، گویای توجه تحقیقات اخیر به این مسئله است. بررسی تطبیقی سبک زندگی اسلامی و غربی از دیدگاه قرآن و

روایات، از جمله مهم‌ترین محورهای پژوهش در این حوزه است؛ هرچند تحقیقات اندکی به این رویکرد معطوف بوده است؛ ازاین‌رو، در راستای تبیین و مقایسه مؤلفه‌ها و مبانی سبک زندگی اسلامی و غربی، رسالت این پژوهش ارزیابی اشتراکات و افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی به روش توصیفی تحلیلی و با اسلوب کتابخانه‌ای، مبتنی بر آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

بعد از آنکه موضوع «سبک زندگی اسلامی» به‌عنوان بُعد نرم‌افزاری تمدن اسلامی، در سال ۱۳۹۱ شمسی توسط مقام معظم رهبری مطرح گردید، پژوهش‌های گسترده‌ای در قالب کتاب، رساله، مقاله، طرح‌نامه‌ها و نیز مجموعه مقالات تمدنی ذیل همایش، کنگره و کنفرانس‌های متعدد ارائه شده است؛ به‌عنوان نمونه، اولین همایش ملی سبک زندگی اسلامی (۱۳۹۱)، همایش ملی سبک و فرهنگ زندگی اسلامی در دنیای معاصر (بایسته‌ها، آسیب‌ها و راهکارها) (۱۳۹۴)، همایش خانواده و سبک زندگی در فرهنگ رضوی (۱۳۹۴) و نیز همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت (۱۳۹۴)، پذیرای صدها مقاله با محوریت «سبک زندگی اسلامی» با رویکردهای گوناگون بوده است. همچنین می‌توان به برخی مقالات در این زمینه اشاره کرد: سبک زندگی اسلامی و غربی؛ مبانی و رویکردها (محمدجواد اسکندرلو)؛ مقایسه سبک زندگی اسلامی و غربی (ستاره دبیرخانی)؛ افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی با محوریت تربیت کودک (سیدذبیح‌الله علوی)؛ بررسی سبک زندگی اسلامی و غربی، (زهرا همتی فاخر)؛ جهان‌بینی اسلامی و هستی‌شناسی سبک زندگی اسلامی‌ایرانی (علی اشرف نظری)؛ تحلیل جامعه‌شناسی مفهوم «سبک زندگی» در تمدن‌های غربی و اسلامی، حسین خانی؛ واکاوی سبک زندگی متعلم در تمدن نوین اسلامی و مقایسه آن با آراء اندیشمندان غربی (مرجان کیان و محمدمهدی سحری).

آنچه در این زمینه کمتر بدان پرداخته شده، مقایسه سبک زندگی اسلامی و غربی و توجه به اشتراکات و افتراقات آن دو است. قابل اذعان است که غالب منابع مکتوب، به سبک زندگی اسلامی و غربی و مؤلفه‌های آن توجه کرده‌اند [\(به‌عنوان نمونه نک: صدوق، ۱۳۹۶\)](#)؛ اما مقایسه زمینه‌های اشتراکی و افتراقی آن‌ها و تأکید بر آن کمتر محل توجه بوده است؛ ازاین‌رو، این تحقیق در راستای رفع این خلأ پژوهشی و توجه به اشتراکات و افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی و برجسته‌سازی آن برای متولیان و مسئولان فعال بین‌تمدنی صورت گرفته است.

۲-۲. روش تحقیق

روش به کار رفته در این پژوهش، «توصیفی تحلیلی» است که بر مبنای آن، در ابتدا اشتراکات و افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی در ابعاد مختلف توصیف شده و سپس تبیین و تحلیل آن‌ها از نظر گذرانده می‌شود.

۳. مفهوم‌شناسی

شناخت واژگان کلیدی در هر پژوهشی می‌تواند به کاربرست صحیح آن‌ها کمک کند؛ ازاین‌رو، ترکیب «سبک زندگی» و مفهوم «تمدن» که سبک زندگی در بستر آن شکل می‌گیرد، به‌اجمال بررسی می‌شود.

۱-۳. سبک زندگی

یکی از مفاهیم علوم اجتماعی، «سبک زندگی» است که برای تبیین رفتار و شیوه تعامل انسان‌ها با یکدیگر و محیط پیرامونی در طول زمان به‌کار می‌رود و بیانگر نمود ظاهری هویت واقعی جامعه بر مبنای ارزش‌ها و عقاید و فعالیت‌های اجتماعی آن است. هویت اجتماعی جوامع و انسان‌ها متشکل از سه مؤلفه جهان و ایدئولوژی و سبک زندگی است. سبک زندگی افراد جامعه بشری زمانی با باورها و ارزش‌های دینی حاکم بر آن متناسب خواهد شد که برداشت و ثمره واقعی خود از جهان‌بینی و ایدئولوژی و هستی را معین کرده باشند

(مهدوی کنی، ۱۳۸۷، صص ۳۲-۳۵). معادل واژه «سبک» در زبان عربی «اسلوب» و در زبان انگلیسی «style» است. مفهوم سبک زندگی در شکل نوین آن (Life Style)، نخستین بار توسط آلفرد آدلر در سال ۱۹۲۹ میلادی و در علم روان‌شناسی مطرح شد. وی از این عبارت، به منظور توصیف ویژگی زندگی آدمیان و ارتباطات افراد استفاده کرد و آن را به مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه، رفتار، حالات و سلیقه‌ها در هر چیزی تعریف نمود. به اعتقاد گیدنز، سبک زندگی به مجموعه‌ای از رفتارها، عادت‌ها و الگوهای مصرف اطلاق می‌شود که هویت یک فرد یا گروه را مشخص می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳). برخی نیز معتقدند به مجموعه تلاش‌ها و صورت‌های رفتاری که فرد یا گروه بر اساس انگیزه‌های روانی خود، جهت تحقق تعادل و توازن میان شخصیت‌های ذهنی و محیط عینی انسانی‌اش به کار می‌برد، سبک زندگی گفته می‌شود (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۲۸). بر پایه رویکرد دین‌شناسانه، این تعریف ارائه شده است: «مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته که متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند»، سبک زندگی نامیده می‌شود (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۵۲). البته در این نظرگاه، الگوهای رفتاری، ظهور خارجی هویت، و بازتابی از عقاید، باورها، ارزش‌ها و علایق فرد بیان شده است. از این نظر، رویکرد دین‌شناسانه به سبک زندگی، تنها مجموعه‌ای از رفتارهای الگومند نیست؛ بلکه با لایه‌های زیرین آن شامل باورها، ارزش‌ها، انگیزه‌ها (نیت و هدف)، نگرش‌ها و گرایش‌های برخاسته از جهان‌بینی، نظام ارزشی و سلیقه‌های مبتنی بر الگوی زندگی سعادتمند پیوند عمیقی دارد و بیانگر هویت متمایز دینی فرد است (کاویانی، ۱۳۹۲، ص ۶۷). بعضی در ذیل تعریف سبک زندگی آورده‌اند: «مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی وضع‌های اجتماعی و دارایی‌هایی که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از سلاقی و تمایلات و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کنند» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۷۸). بدیهی است که جلوه‌های عینی رفتار، مثل الگوی مصرف و شیوه گذراندن اوقات فراغت زندگی، صرفاً سبک زندگی نیست؛ بلکه باورها، نگرش‌ها، جهان‌بینی و نوع نگاه افراد به هستی را دربرمی‌گیرد (فاضل قانع، ۱۳۹۱، ص ۵۳).

مفهوم سبک زندگی در علم جامعه‌شناسی، در قالب دو برداشت مطرح شده است. ابتدا در دهه ۱۹۲۰ میلادی که به عنوان معرف ثروت و موقعیت اجتماعی در قالب طبقه و به عنوان معیاری برای سنجش طبقه اجتماعی مطرح بود (سیک، ۱۳۷۹، ص ۷۶) و بعدها به عنوان مبنایی که توسط تغییرات ناشی از مدرنیته در قالب رشد مصرف‌گرایی مطرح شد (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳؛ بودریار، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱)؛ سپس رفته‌رفته بر مبنای تحلیل تازه و توجهی که به مفهوم قشربندی و تحرکات اجتماعی گردید، به عنوان یک مفهوم مستقل تحت توجه به معیار مصرف، به جای توجه صرف به طبقه، بر آن تأکید شد (فاضل قانع، ۱۳۹۱، صص ۱۱۱-۱۱۳). این مفهوم ابتدا با کتاب طبقه مرفه اثر ویلن، وارد حوزه علوم اجتماعی گردید. وی در این کتاب، به تحلیل مصرف و طبقه متوسط می‌پردازد. ویلن به طبقه نوظهوری که مصرف را برای خود یک افتخار می‌دانند، به شدت حمله می‌کند و مروج این سبک زندگی را طبقه متوسط جدید می‌داند. بنابراین در نگاه تبیینی، وی سبک زندگی را در رابطه با مصرف و شیوه مصرف کردن مبنا قرار می‌دهد (حاجیان، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

با وجود مطالعات و تحلیل‌های بیان‌شده در رابطه با سبک زندگی، تمرکز و تأکید جدی و فراگیر در مورد این موضوع، به طور اعم پس از ظهور انقلاب اطلاعات و پیشرفت در عرصه رسانه و ارتباطات که از آن تحت عنوان «انقلاب سوم» نام می‌برند، شکل گرفت (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲). در این دوره، به شدت بر سبک زندگی تأکید شد؛ به‌ویژه با فروپاشی نبرد دوقطبی به اصطلاح جنگ سرد میان دو قطب که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیروزی اردوگاه غرب و نظام لیبرال‌دموکراسی همراه بود. اندیشمندان این کشورها، فرهنگ لیبرال‌دموکراسی را تکامل‌یافته‌ترین شیوه زندگی بشر می‌دانند که سعادت و آسایش و رفاه را برای همه افراد بشر در پی دارد. بنابراین

گسترش آن را وظیفه‌ای خطیر برای خود می‌دانند و بر همین مبنا از نظم نوین جهانی صحبت می‌کنند (نک: هانتینگتون، ۱۳۸۰، صص ۲۰-۲۷)؛ از این رو طرح و ارائه الگوی جهانی شدن آن هم از منظر فرهنگی و مطرح شدن نظریه برخورد تمدن‌ها از سوی ساموئل هانتینگتون، باعث شد تا سبک زندگی در رأس برنامه‌های اندیشمندان و تحلیل‌گران غرب قرار گیرد.

۲-۳. تمدن

واژه «تمدن» از ریشه «م د ن» و مصدر باب تفعّل، یک واژه عربی است که در زبان فارسی به معنای شهرنشینی به کار می‌رود. معادل آن در زبان انگلیسی Civilization است و به معنای شهرنشینی و تخلّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۶۱۰۹، ذیل واژه «تمدن»). برای این واژه در علوم مختلف، معانی اصطلاحی گوناگونی ارائه شده است که به دلیل رعایت اختصار، به دو تعریف از تمدن بسنده می‌گردد. در تعریف علوم اجتماعی آمده است:

تمدن عبارت است از مجموعه پاسخ‌های عاقلانه، اعم از اینکه پاسخ گوینده عقل ابزاری و عملی باشد یا عقل جوهری و نظری به چالش‌های محیط (مثلاً صیانت جامعه از عوامل محیط‌زیست، از طریق اختراع و تکامل انواع مختلف پوشاک و معماری)، جوامع رقیب (مثلاً صیانت جامعه در برابر هجوم دشمنان، از طریق ایجاد هنجارهای غیرت، حمیت گروهی و احیاناً نهادینه کردن آن‌ها در ارتش و نیز بهبود تکنولوژی جنگ)، مسائل ناشی از مشکلات اداره درونی جامعه (مثلاً اقتصاد جنسی، تخصیص ثروت‌ها، توزیع قدرت نظارت بر روابط حقوقی افراد جامعه با یکدیگر و نیز با نهاد حکومت) و تطور تاریخی و منحصر به فرد مجموعه این پاسخ‌ها و جرح و تعدیل مداوم آن‌ها در پاسخ به عوامل خارجی و نیز در تقابل با یکدیگر (صدر، ۱۳۸۰، صص ۲۸-۲۹).

بر پایه این تعریف، تمدن عبارت است از تبلور تلاش دائم و کم‌وبیش موفق عقل نظری و عملی برای مقابله با نیروهای تهدیدکننده بیرونی و هسته‌های ناپایدار درون جوامع بشری (صدر، ۱۳۸۰، ص ۲۹). در تعریف دیگری آمده است:

تمدن به معنای محدود آن، یعنی فقط افزایش دادن آنچه که انسان مصرف می‌کند و تجملات ظاهری که به ضرورت‌های روزانه زندگی اضافه می‌شوند. تمدن به معنای گسترده آن، یعنی نه فقط رفاه در زمینه ضرورت‌های روزانه، بلکه همچنین پالایش معرفت و پرورش فضیلت، به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه‌ای بالاتر برکشد. اگر دانشمندان چنین تمایزی بین دو معنای تمدن قائل می‌شدند، می‌توانستند مقدار زیادی از بحث‌های بی‌ثمر را کنار بکنند (یوکیچی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۹).

روایات از دیدگاه وی، تمدن به معنای «کیفیت زندگی تمامی یک ملت» است (همان: پیشگفتار مترجم).

البته میان تعاریف معیاری و تعاریف مصداقی تمدن ناسازگاری وجود دارد. تعاریف مصداقی تعاریفی است که جامعه‌شناسان، ناظر به تمدن‌های موجود تعریف و آن را بر تمدن‌های بیرونی و تاریخی تطبیق کرده‌اند؛ اما تعاریف معیاری تعاریفی است که اندیشمندان از نگاه خودشان، نه اینکه ناظر به تمدن‌های بیرونی باشد، مطرح کرده و آنگاه بر اساس همان الگوی ذهنی و شخصی‌شان به قضاوت در مورد تمدن‌ها نشست‌اند؛ به عنوان نمونه اینکه آیا ایدئولوژی‌ها می‌توانند منتهی به تمدن شوند و آیا در تعریف یک تمدن می‌توان ایدئولوژی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های تمدنی در نظر آورد، از پرسش‌های قابل طرح در تعاریف معیاری است، نه تعاریف مصداقی (رشادی، ۱۳۹۶، ص ۴۳).

با عنایت به تعریف‌های ارائه شده و گزارشات و آثار مکتوب و غیر مکتوب بر جای مانده از گذشته، تمدن اسلام و غرب در بستر زمان و مکان، فراز و فرودهای فراوانی را تجربه کرده است. تمدن معاصر غربی با پشتوانه دانش و استیلای تکنولوژی نرم افزاری و سخت افزاری، در حال ظهور و بروز هیمنه خود بر سایر تمدن‌هاست. از سوی دیگر، تمدن نوین اسلامی، هرچند در شکل‌گیری معاصرانه آن بحث‌های فراوانی وجود دارد، ملهم از تمدن ژرف و طلایی گذشته خود و دستاوردهای نوین علمی و پژوهشی و مهارتی‌اش، در تمام عرصه‌های تمدنی، ظهور و بروز برجسته و موفقی دارد؛ از این رو، بررسی اشتراکات و افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی و مقایسه میان آن‌ها، زمینه شکل‌گیری این پژوهش بوده است.

۳-۳. غرب

جهان غرب یا به اختصار «غرب»، در درجه اول به ملت‌ها و دولت‌های مختلف در مناطق استرالیا، اروپا و قاره آمریکا اشاره دارد. غرب مفهومی در حال تحول تلقی شده است و متشکل از هم‌افزایی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی میان گروه‌های مختلف مردم، و نه منطقه‌ای با مرزها و اعضای ثابت است. بنابراین جهان غرب امروزی، اساساً شامل ملت‌ها و دولت‌هایی می‌شود که در آن‌ها تمدن یا فرهنگ غربی وجود دارد.

۴. مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی و غربی

شکل‌گیری هر تمدنی، در بستری از زمان و مکان اتفاق افتاده است؛ از این رو، طبیعی است که تمدن‌ها بر فرهنگ جامعه هدف خود، تأثیر داشته‌اند و متقابلاً از آن تأثیر پذیرفته‌اند. اما ویژگی‌های خاص هر تمدنی، می‌تواند جانمایی متفاوتی از خود در فرهنگ‌های آتی جامع، هدف برجای بگذارد. در راستای این تحقیق، به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اصلی سبک زندگی اسلامی و غربی، برخاسته از تمدن اسلام و غرب، اشاره می‌گردد.

۴-۱. شاخصه‌های اصلی سبک زندگی غرب

سبک زندگی غربی متأثر از جهان‌بینی سکولار تمدن غرب، متشکل از مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و اصولی است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. تأکید بر اصالت و محوریت انسان در مقابل خدا: این رویکرد، انسان و آزادی‌های مطلق وی را هدف اصلی قرار می‌دهد و شناخت خداوند و سایر شناخت‌ها را به عنوان وسیله‌ای برای نیل به این هدف مدنظر دارد. در واقع انسان مالک مطلق، مرکز و معیار جهان هستی است که تمام امور توسط وی ارزش‌گذاری می‌شود (صانع‌پور، ۱۳۸۷، صص ۲۶-۲۸).

۲. تأکید بر آزادی و مخیر بودن انسان: این اصل که از اصل اول ناشی می‌شود، تأکید می‌کند که قدرت و سرنوشت انسان به خود او واگذار شده است و او می‌تواند فارغ از هرگونه محدودیتی، بر دین، طبیعت، تاریخ، دولت و عوامل دیگر مسلط شود و همه چیز را تحت سلطه خود در بیاورد (عالم، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳).

۳. عقل برتر انسان: تأکید بر عقل خودبنیاد و متافیزیک، دیگر اصل اساسی مدرنیته است (آقاحسینی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱)؛ به طوری که از نگاه تمدن غرب، عقل انسان رهبری بشر را بر عهده دارد و همه موارد، تحت سیطره عقل خودمحور و فارغ از هرگونه محدودیت از جمله دین و وحی است (صانع‌پور ۱۳۸۷، صص ۲۲-۲۴).

۴. طبیعت‌گرایی: تأکید بر مادی بودن و جسی بودن جهان هستی و اینکه همه‌چیز از راه حس و حواس پنج‌گانه قابل درک است و امور متافیزیکی تجربه‌ناپذیر و غیرقابل مشاهده که انسان برای حل مشکلات خود نمی‌تواند به آن‌ها رجوع کند، بی‌ارزش و غیرقابل‌باور است (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷، صص ۵۳-۵۴).

۵. مدارا و تساهل: دیگر اصل مهم سبک زندگی غربی مدارا و تساهل است که ناشی از اصالت دادن به انسان و رفتار و کردارهای وی است.

به‌صورت کلی، سبک زندگی تمدن غرب، مبتنی بر فردگرایی (وبر، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴)، مادی‌گرایی (فروم، ۱۳۸۰، ص ۸۹)، لذت‌جویی (اسکندر، ۱۳۹۳، ص ۶۵) و مصرف‌گرایی (بودریار، ۱۳۸۵، ص ۷۸) است. به نظر می‌رسد دنیای غرب برگرفته از اندیشه‌های مدرنیته و تحولات بعد از آن، خصوصاً انقلاب ارتباطات و مطرح شدن مبحث جهانی شدن، بر سبک زندگی و آداب و رسوم غربی به‌عنوان تکامل‌یافته‌ترین شیوه زندگی بشر به شکل اساسی تأکید کرده و تضعیف و تحقیر و ناکارآمد نشان دادن دیگر فرهنگ‌ها را جهت جهان‌گستری فرهنگ خود و جایگزین کردن آن در دیگر مناطق در دستور کار قرار داده است. با تغییر و تحولاتی که در حوزه ارتباطات و فناوری، خصوصاً ماهواره و اینترنت به وجود آمده، دنیای غرب به دنبال حذف و نابودی دیگر فرهنگ‌ها، خصوصاً سبک زندگی اسلامی است؛ ولی همین ویژگی‌ها نیز با توجه به سابقه فرهنگی تمدنی غنی و قوی و با ملاحظه جهان‌شمولی اهداف و آرمان‌ها و تأثیرگذاری سبک زندگی اسلامی ایرانی و گسترش این فرهنگ، زمینه‌ای برای جهانی‌سازی اندیشه‌های ایرانی اسلامی می‌شود؛ چرا که در دنیای امروز، قدرت برتر از آن فرهنگی است که جذابیت و توان بیشتری برای جذب افراد داشته باشد و از آن جهت که سبک زندگی نشأت‌گرفته از دستورات و آموزه‌های دین اسلام به دنبال کرامت و عزت انسانی و هویت واقعی بشریت است، می‌تواند نسبت به سبک زندگی تک‌ساحتی غرب و برای بشری که دنبال حقیقت است، مؤثرتر واقع شود.

۴-۲. شاخصه‌های اصلی سبک زندگی اسلام

در مقابل جهان‌بینی تمدن غرب، جهان‌بینی تمدن اسلام قرار دارد که سبک زندگی برخاسته از آن، بر مبنای مبداءشناسی [خداشناسی]، هستی‌شناسی، راهنماشناسی، معادشناسی (فرجام‌شناسی) استوار است. این سبک زندگی متشکل از مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و اصول است که به مهم‌ترین آن‌ها به صورت اجمالی اشاره می‌کنیم:

۱. تأکید بر خدامحوری: بر پایه منابع دینی (قرآن و سنت)، خداوند خالق و مربی انسان است (مؤمنون: ۱۴؛ سجده: ۹؛ الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵)؛

۲. عدالت‌گرایی، به معنای رعایت حقوق دیگران و پرهیز از ستم و تعدی (نحل: ۹۰)؛

۳. اخلاق‌مداری، یعنی پایبندی به فضایل اخلاقی مانند صداقت و امانت‌داری (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۷۸)؛

۴. تأکید بر غایت‌مندی زندگی انسان و اینکه نظرگاه دینی مبتنی بر هدفمندی سیر زندگانی انسان است (انبیاء: ۱۶؛ آل‌عمران: ۱۹۰-۱۹۱؛ ذاریات: ۵۶؛ کهف: ۷)؛

۵. تأکید بر معناداری زندگی انسان و اینکه این معناداری در سایه غایت‌مندی زندگی وی ترسیم شده است (جعفری، ۱۳۷۹، صص ۳۴-۳۷)؛

۶. خانواده‌محوری، یعنی توجه به نهاد خانواده به‌عنوان کانون تربیت فرزندان (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۵۳)؛

۷. ساده‌زیستی؛ به معنای پرهیز از تجمل‌گرایی و اسراف (اعراف: ۳۱).

با نگاهی ابتدایی، تفاوت‌های اساسی سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی غربی قابل مشاهده است. سبک زندگی اسلامی الگوی جامعی برای زندگی دنیوی و اخروی ارائه می‌دهد؛ درحالی‌که سبک زندگی غربی صرفاً بر لذت‌ها و منافع مادی تمرکز دارد. در ادامه به اشتراکات و افتراقات مهم و اساسی سبک زندگی اسلامی و غربی از نگاه قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام اشاره می‌کنیم.

۵. اشتراکات سبک زندگی اسلامی و غربی

با توجه به شاخصه‌های اصلی سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی غربی، می‌توان در راستای تفاهم و تعامل و روابط حسنه میان تمدن اسلام و غرب، به مهم‌ترین اشتراکات این دو سبک زندگی اشاره‌ای اجمالی داشت.

۵-۱. عدالت‌خواهی

یکی از ویژگی‌های مشترک در هر دو سبک زندگی، تأکید بر عدالت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: همانا خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد. (نحل: ۹۰)؛^۱ همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیثی فرموده‌اند: عدل پایه پادشاهی و سلامتی است (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۱۲۲).^۲ در سبک زندگی غربی نیز عدالت به‌عنوان یک ارزش اخلاقی و اجتماعی، مهم تلقی می‌شود. اندیشمندان غربی همچون جان رالز، عدالت را ملاک ارزیابی نهادهای اجتماعی می‌دانند (رالز، ۱۳۸۰، ص ۴۵). با این حال، مبانی عدالت در دو سبک زندگی متفاوت است. در مجموع، هرچند عدالت‌خواهی اشتراک مهمی میان دو سبک زندگی به شمار می‌رود، ریشه‌ها و مبانی آن متفاوت است. سبک زندگی اسلامی عدالت را فرمان الهی می‌داند؛ درحالی‌که در سبک زندگی غربی، عدالت یک ارزش انسانی است. بنابراین اگرچه می‌توان اصل ویژگی عدالت‌خواهی را به‌عنوان شاخصه مشترک تمدن اسلامی و غربی قلمداد کرد، نباید از تفاوت آن در ریشه‌ها، اصول و مبانی و دیگر جزئیات غفلت نمود.

۵-۲. آزادی

آزادی یکی دیگر از ارزش‌های مشترک هر دو سبک است. در قرآن آمده است: در دین اجباری نیست (بقره: ۲۵۶).^۳ امام علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: ای مردم، بی‌شک سزاوارترین آزادی این است که در امور دنیایان آزاد باشید (الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق، خ ۲۸).^۴ ایشان در جای دیگری می‌فرماید: چیزی گران‌بها تر از آزادی نیست (تمیمی آمدی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۴۶).^۵ در سبک زندگی غربی، آزادی به معنای انتخاب بدون محدودیت و پیروی از خواسته‌های فردی است. فیلسوفانی چون جان استوارت میل بر این باورند که آزادی زمانی تحقق می‌یابد که فرد بتواند بدون مانع خواست خود را دنبال کند (میل، ۱۳۸۰، ص ۷۸). در نتیجه، آزادی ارزش مشترکی بین سبک زندگی اسلامی و غربی است؛ اما تعاریف آن در دو سبک زندگی متفاوت است. سبک زندگی اسلامی آزادی را در چهارچوب الهی تعریف می‌کند، درحالی‌که در سبک زندگی غربی آزادی فردی اولویت دارد.

۵-۳. حقوق بشر

احترام به حقوق انسانی از دیگر ویژگی‌های مشترک است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا حمل کردیم (اسراء: ۷۰).^۶ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ریشه این کرامت را ذاتی و مشترک بین انسان‌ها بیان کرده و فرموده است:

۱. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ».

۲. «الْعَدْلُ أَسَاسُ الْمُلْكِ وَالسَّلَامَةِ».

۳. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ».

۴. «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَحَقَّ الْحُرِّيَّةِ أَنْ تَكُونُوا أَحْرَارًا فِي أَمْرِ دُنْيَاكُمْ».

۵. «لَيْسَ شَيْءٌ أَثْمَنُ مِنَ الْحُرِّيَّةِ».

۶. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ».

«هم] شما از آدم هستید و آدم از خاک است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۲۲).^۱ ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «هرکس معاهدی را بکشد، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ص ۶۹۱۴).^۲ در سبک زندگی غربی نیز حقوق بشر به‌عنوان حقوق طبیعی و ذاتی انسان تلقی می‌شود. اندیشمندانی همچون جان لاک اعتقاد دارند انسان‌ها ذاتاً دارای حقوقی هستند که باید محترم شمرده شود (لاک، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲). بنابراین، حقوق بشر ارزش مشترکی بین سبک زندگی اسلامی و غربی است؛ ولی در سبک زندگی اسلامی ریشه الهی دارد، درحالی‌که در سبک زندگی غربی ریشه طبیعی و انسانی دارد.

۴-۵. صلح طلبی

صلح طلبی از دیگر ویژگی‌های مشترک سبک‌های زندگی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در صلح درآیید» (بقره: ۲۰۸).^۳ پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «پس همانا محبوب‌ترین دین [داری] شما نزد خدا، یکتاپرستی ساده و آسان است (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۲).^۴ ایشان در جایی دیگر فرموده است: مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از زبان او در امان باشند (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۵۲).^۵ در سبک زندگی غربی نیز صلح طلبی ارزشی مثبت تلقی می‌شود. اندیشمندانی چون امانوئل کانت بر لزوم صلح جهانی تأکید داشته‌اند (کانت، ۱۳۸۰، ص ۶۵). در مجموع، صلح طلبی ارزشی مشترک است؛ اما در سبک زندگی اسلامی جنبه الهی دارد، درحالی‌که در سبک زندگی غربی جنبه انسانی دارد.

۵-۵. انسان دوستی

احترام به کرامت انسانی نیز ویژگی مشترک دو سبک است. در قرآن آمده است: «[یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید. همه سجده کردند، مگر ابلیس (بقره: ۳۴).^۶ پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود: «به کسانی که بر روی زمین هستند رحم کنید، تا کسانی که در آسمان هستند بر شما رحم کنند (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۶۱).^۷ در روایت دیگری نیز فرمود: «کسی که به کودکانمان رحم نکند و بزرگانمان را احترام نگذارد، از ما نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۵).^۸ همچنین روایات فراوانی وجود دارد که ریشه محبت در آن‌ها به کار رفته و بر اهمیت مهرورزی و نوع دوستی دلالت دارد. از جمله حدیث امام جواد (ع) که فرمود: با سه خصلت، محبت [دیگران] به دست می‌آید: انصاف در معاشرت، همدردی [با دیگران] در سختی‌ها، و بازگشت به قلبی پاک (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۵، ص ۸۲).^۹ پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود: بهترین مؤمنان کسی است که با مؤمنان انس بگیرد و کسی که انس نگیرد و انس نپذیرد، خیری در او نیست (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶۴، ص ۲۹۸).^{۱۰} در روایت امام علی (ع) آمده است: هر کس به مردم خوش گمان باشد، محبت آنان را به دست می‌آورد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۳).^{۱۱}

۱. «كُلُّكُمْ لَأَدَمَ وَأَدَمُ مِنْ تَرَابٍ».

۲. «مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ».

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً».

۴. «فَإِنْ أَحَبَّ دِينَكُمْ إِلَى اللَّهِ الْخَنَفِيَّةَ السَّمْحَةَ السَّهْلَةَ».

۵. «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ».

۶. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ».

۷. «إِزْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ».

۸. «لَيْسَ مِنَّْا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَيُوقِرْ كَبِيرَنَا».

۹. «ثَلَاثُ خِصَالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةُ: الْإِنْصَافُ فِي الْمَعَاشِرَةِ وَالْمُوَاسَاةُ فِي الشَّدَّةِ وَالْإِنْطِوَاعُ وَالرُّجُوعُ إِلَى قَلْبٍ سَلِيمٍ».

۱۰. «خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَأْلَفَةً لِلْمُؤْمِنِينَ، وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ».

۱۱. «مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالنَّاسِ حَارَزَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ».

محبت به انسان در سبک زندگی غربی، ریشه‌های دینی عمیقی دارد؛ زیرا در انجیل آمده است که عیسی فرمود: «بزرگ‌ترین حکم شریعت، محبت به خدا و محبت به انسان است». گرچه جوامع سکولار غربی از مسیحیت فاصله گرفته‌اند، این آموزه مسیح اثر عمیق فرهنگی در بین آنان داشته و دارد. در این سبک زندگی، انسان‌دوستی از فضایل اخلاقی به شمار می‌رود. فیلسوفانی چون شوپنهاور بر اهمیت همدلی با دیگران تأکید کرده‌اند (شوپنهاور، ۱۳۷۸، ص ۶۷). در مجموع می‌توان گفت انسان‌دوستی ارزشی مشترک بین دو سبک زندگی اسلامی و غربی است؛ ولی ریشه‌های آن متفاوت است. سبک زندگی اسلامی بر محوریت خدا مبتنی است، در حالی که در سبک غربی محوریت انسان است.

هرچند سبک زندگی اسلامی و غربی در موارد دیگری از جمله احترام به انسانیت و پیشرفت فردی و علمی نیز اشتراکاتی را دارند، به‌خاطر رعایت اختصار از توضیح آن‌ها خودداری می‌کنیم. بنابراین، با توجه به بررسی تطبیقی فوق، می‌توان گفت سبک زندگی اسلامی و غربی، در زمینه اصولی چون عدالت‌خواهی، آزادی، حقوق بشر، صلح‌طلبی و انسان‌دوستی اشتراکاتی دارند. البته سبک زندگی اسلامی این اصول را در چهارچوب توحیدی و با رعایت فرامین الهی دنبال می‌کند، در حالی که سبک زندگی غربی آن‌ها را مفاهیمی مستقل از دین می‌داند. با وجود این، می‌توان امیدوار بود این اشتراکات زمینه‌ساز همگرایی و تعامل بیشتر میان دو سبک زندگی باشد.

۶. افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی از دیدگاه قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام

سبک زندگی اسلامی و غربی دو الگوی مختلف از زندگی است که از دیدگاه ارزش‌ها و باورها و رفتارها تفاوت‌های چشمگیری دارد. البته می‌توان به موارد بسیاری از تفاوت‌های سبک زندگی اسلامی و غربی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت (ع) اشاره کرد؛ اما به جهت رعایت اختصار، به ذکر مهم‌ترین آن‌ها اکتفا می‌گردد.

۱-۶. اخلاق و ارزش‌ها

در فرهنگ اسلامی، اخلاق و ارزش‌های دینی بر اساس نظام اخلاقی اسلامی تعریف می‌شود. این نظام اخلاقی بر پایه تقوا، ایمان به خدا و روز آخرت، عدالت، صداقت و احترام به انسان‌ها بنا شده است (بقره: ۱۷۷). سبک زندگی اسلامی بر ارزش‌هایی همچون تواضع، صداقت و عدالت اجتماعی تأکید می‌کند (موسوی، ۱۳۹۸، ص ۲۰). به‌عنوان مثال، قرآن کریم بر تواضع و دوری از تکبر تأکید می‌کند و این مسئله در اسلام بسیار ارزشمند است. در آیه ۳۷ سوره اسراء آمده است: «در [روی] زمین به نخوت گام بردار؛ چراکه هرگز زمین را نمی‌توانی شکافت و در بلندی به کوه‌ها نمی‌توانی رسید»^۱. این مضمون، به تواضع و اجتناب از تکبر و خودپرستی توصیه می‌کند. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «فروتنی را مابین خود و دشمنان شیطان و لشکریان او سنگری قرار بدهید؛ زیرا برای او از هر امتی سپاهیان و یاران و پیادگان و سوارانی است»^۲ (الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق، خ ۱۹۲). این روایت بر اهمیت تواضع و فروتنی در رفتار اجتماعی تأکید دارد. در مقابل، فرهنگ غرب ارزش‌ها و اخلاقیات را بیشتر بر پایه فلسفه‌های مختلف، اخلاقیات علمی یا اخلاقیات دینی خاصی تعریف می‌کند. در سبک زندگی غربی، ارزش‌هایی مانند استقلال، موفقیت فردی و تمرکز بر خود بیشتر دیده می‌شود (اسمیت، ۲۰۱۰م، ص ۸۱). این موضوع می‌تواند به کاهش توجه به مسائل اجتماعی و حقوق دیگران منجر شود (واتسون، ۲۰۱۷م، ص ۱۳۲). جوامع غربی بر ارزش‌هایی مانند استقلال و خودباوری، بیشتر از ارزش‌های اجتماعی مانند تعهد به ارتباطات انسانی تأکید می‌کند. این تفاوت‌ها نشان از اهمیت ارزش‌های اخلاقی در سبک زندگی اسلامی دارد که از منظر قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام بیان شده است و در مقابل، سبک زندگی غربی اهمیت قابل ملاحظه‌ای به موارد مذکور نمی‌دهد و بیشترین تمرکز و محوریت آن بر مبنای فردگرایی است.

۱. «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا».

۲. «اتَّجِدُوا التَّوَّاضِعَ مَسْلَحَةً بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ عَدُوِّكُمْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ، فَإِنَّ لَهُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ جُنُودًا وَأَعْوَانًا».

۶-۲. تعامل اجتماعی

در سبک زندگی اسلامی، روابط اجتماعی مبتنی بر اخلاق و ارزش‌هایی همچون صلۀ رحم، همدلی و یاری رساندن به یکدیگر، توجه به خانواده، احترام به سن و حفظ آبرو و ناموس دیگران است (خان، ۱۳۹۵، ص ۱۰۴). قرآن کریم در آیه ۲۲ سوره حجرات، بر احترام گذاشتن به دیگران و توهین نکردن به آنان تأکید می‌کند: «بعضی از شما غیبت بعضی نکند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید».^۱ بر اهمیت حفظ آبروی دیگران در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز به طور مکرر تأکید شده است. از سویی دیگر، در سبک زندگی غربی، استقلال فردی و تمرکز بر خود بیشتر دیده می‌شود. در واقع روابط اجتماعی در سبک زندگی غربی، سطحی و مبتنی بر منافع شخصی است. این موارد نشان می‌دهد که تفاوت‌های مهمی در نگرش به تعامل اجتماعی و حفظ عرض دیگران میان سبک زندگی اسلامی و غربی وجود دارد و از منظر قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به آن پرداخته شده است.

۶-۳. تفاوت‌های فرهنگی

سبک زندگی اسلامی بر پایه فرهنگ قرآنی و توحیدی استوار است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «همانا خداوند، پروردگار من و شماست. پس او را بپرستید» (آل عمران: ۵۱).^۲ به عنوان نمونه، ساخت خانواده در جامعه اسلامی و فرهنگ دینی از ارزش والایی برخوردار است. در قرآن کریم آمده است: «با زنان به‌خوبی معاشرت کنید» (نساء: ۱۹).^۳ این به معنای رفتار خوب با همسران است. بر این ارزش در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز تأکید شده است. در موردی دیگر، اهمیت احترام به سن و تجربه سالمندان در جامعه اسلامی محل توجه است به ویژه در مورد والدین سالخورده. در آیه ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء آمده است:

پروردگار تو حکم کرده است که جز او کسی را نپرستید و به والدین نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو (پدر و مادر) یا هر دو نزد تو به سن پیری و سالمندی رسیدند، به آنان اُف مگو و آنان را طرد مکن و به آنان سخن کریمانه بگو. بال فروتنی را از روی رحمت و شفقت برای آنان بگستر و بگو: پروردگارا، همان‌گونه که مرا در خردسالی ام تربیت کردند، تو نیز بر آنان رحمت آور.^۴

در نمونه واضح دیگری، حجاب و عفاف و منع ارتباط آزاد زن و مرد نامحرم از ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی است (نور: ۳۰-۳۱)؛ درحالی‌که در سبک زندگی غربی، بی‌حجابی و برهنگی و روابط آزاد ترویج می‌شود. سبک زندگی غربی بیشتر بر پایه فردگرایی و سودجویی و لذت‌طلبی شکل گرفته است. این موضوع ممکن است منجر به کاهش ارزش خانواده و ارتباطات اجتماعی گردد (واتسون، ۲۰۱۷م، ص ۱۳۲). این تفاوت‌ها نشان از اهمیت ارزش‌های فرهنگی در سبک زندگی اسلامی دارد که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده است.

۶-۴. تفاوت‌های اقتصادی

در الگوی مصرف اسلامی، اسراف و تبذیر و انباشت ثروت و تجمل‌گرایی مذموم است (اعراف: ۳۱). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «اسراف نکنید؛ چراکه خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد» (انعام: ۱۴۱).^۵ در جای دیگر آمده است: «وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا» (اسراء: ۲۶). همچنین امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هرکس در تجملات زندگی غرق شود و در لذت‌های آن سرمست گردد، قطعاً فقر و

۱. «وَلَا يَنْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ».

۲. «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ».

۳. «وَعَابَرُوا هَنَّا بِالْمَعْرُوفِ».

۴. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا».

۵. «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».

تهی دستی بر او چیره می شود» (الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۴۲۹). اما در سبک زندگی غربی، انباشت ثروت و مادی گرایی بسیار رایج است (شومیکر، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶). آمار و ارقام نشان می دهد در برخی جوامع توسعه یافته غربی، مصرف آب، برق، پارچه، لوازم آرایش، گاز و مانند آن بسیار کمتر از ایران است، اما در غرب مصرف گرایی و تجمل طلبی تشویق می شود تا مردم هرچه بیشتر مصرف کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۹۰).

۵-۶. تفاوت های سیاسی

مؤلفه های زیادی در نظام سیاسی اسلام و غرب وجود دارد که در جای خود بدان ها پرداخته شده است؛ ولی به صورت مختصر می توان گفت که نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت، مبتنی بر ولایت فقیه است (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، صص ۱۲۳-۱۴۵). در اسلام، حاکم خداست و کسی که خدا به او اذن حکومت داده، در مرتبه اول نبی و بعد وصی و بعد کسی است که وصی به او اذن حکومت داده باشد. اما نظام سیاسی غرب، سکولار و غیردینی است (هانتینگتون، ۱۳۸۰، ص ۷۵؛ به نقل از احمدی نژاد، ۱۳۹۰، صص ۴۵-۶۷). در نظام سیاسی اسلام، بر ایجاد «عدالت اجتماعی» تأکید می شود (الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۳)؛ اما در غرب، شکاف طبقاتی زیاد است (کمالی، ۱۳۹۵، صص ۸۹-۱۱۰). «سبک مدیریت» در نظام سیاسی اسلام، مبتنی بر مشورت و شورا است (شوری: ۳۸)؛ اما مدیریت غربی، استبدادی و خودمحور است (ویر، ۱۳۹۰، ص ۹۳؛ به نقل از شفیعی، ۱۳۹۸، صص ۶۷-۸۹).

۶-۶. نگرش به محیط زیست

اسلام تأکید دارد که انسان به عنوان خلیفه زمین مسئولیت دارد محیط زیست را حفظ کند. به عنوان مثال، آیه ۳۰ سوره اعراف به حفظ منابع طبیعی می کند: «به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم عاد قرار داد و در زمین مستقر ساخت، که شما در دشت هایش برای خود قصرها بنا می کنید و در کوه ها برای خود خانه ها می تراشید. بنابراین، نعمت های خدا را متذکر شوید و در زمین، به فساد نکوشید».^۱ این مضمون به معنای حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن است. از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) نیز، حفاظت از محیط زیست به عنوان یک وظیفه مهم بر شانه های مسلمانان قرار دارد. امام علی (علیه السلام) فرمود: «تمام یک مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است؛ خون و مال و آبرویش» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۷، ص ۴۹۹).^۲ این سخن نیز به معنای حفظ دارایی ها و جان و عرض مسلمانان توسط دیگران است.

در سبک زندگی غربی، تمرکز بر توسعه و صنعتی شدن بیشتر است (هال، ۲۰۱۴م، ص ۱۰۵). در فرهنگ غربی، گاهی توجه به توسعه صنعتی و اقتصادی منجر به نادیده گرفتن محیط زیست شده است؛ از این رو از دیدگاه ارزش های غربی، حفاظت از محیط زیست ممکن است در اولویت پایین تری نسبت به توسعه اقتصادی قرار گیرد. به عنوان مثال، برخی از کشورهای غربی بر مصرف بیش از حد منابع طبیعی و استفاده از سوخت های فسیلی برای توسعه اقتصادی، به دلایلی از جمله افزایش رفاه اجتماعی تأکید می کنند. بر اساس گزارش سالانه سازمان محیط زیست جهانی در سال ۲۰۲۰ تحت عنوان «گزارش وضعیت محیط زیست جهان»، تولیدات صنعتی در کشورهای غربی بسیار بیشتر از حد مجاز است و این منجر به آلودگی آب و هوا شده است؛ البته این معضل در کشورهای اسلامی نیز در مقیاسی کوچک تر وجود دارد.

۱. «وَإِذْ كُنَّا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأْنَا فِي الْأَرْضِ نَتَّخِذُونَ مِنْ سُهْلِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ».
 ۲. «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ وَمَالُهُ وَعَرْضُهُ».

نتیجه‌گیری

می‌توان موارد زیر را به‌عنوان دستاوردهای این پژوهش برشمرد:

۱. در درجهٔ اول و به صورت کلی، تحلیل اشتراکات و افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی نشان می‌دهد که این دو سبک، ارزش‌ها و شاخصه‌های مشترکی مانند عدالت‌خواهی، آزادی، حقوق بشر، صلح‌طلبی و انسان‌دوستی را به‌عنوان اساس و مبنای توسعهٔ انسانی و اجتماعی در جوامع بشری مطرح می‌کنند. این ارزش‌ها با نظریات و توصیه‌های اسلامی نیز همخوانی دارد که به ترویج اخلاق و ارزش‌های انسانی تأکید می‌کند.

۲. این پژوهش نشان داد در تفاوت بین سبک زندگی اسلامی و غربی، مؤلفه‌هایی مانند اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، تعامل اجتماعی، تفاوت‌ها و سلايق فرهنگی و نوع نگرش و رویکرد به محیط‌زیست به‌عنوان موارد مهم و برجسته می‌تواند مطرح و بررسی شود.

۳. از موارد مهم افتراق سبک زندگی اسلامی و غربی این است که سبک زندگی اسلامی بر ارزش‌های اخلاقی و انسانی همراه با ترویج مفاهیمی همچون انصاف، بخشش، ازخودگذشتگی، محبت و عدالت تأکید می‌کند و نگاه اسلام به حفظ محیط‌زیست و تعامل اجتماعی نگاهی کاملاً فعالانه و تأثیرگذار است.

۴. یافته‌های پژوهش در قسمت افتراق سبک زندگی اسلامی و غربی گویای این است که در سبک زندگی غربی، توسعه فناوری و اقتصاد به‌عنوان اولویت‌های اصلی و بنیادین مطرح شده و اغلب در سیاست‌گذاری‌های کلان و راهبردی، ارزش‌های فردی و مصلحت شخصی بر ارزش‌ها و مؤلفه‌های جمعی ترجیح داده می‌شود.

۵. در یک نگاه کلان و آینده‌نگر و با توجه به اشتراکات و افتراقات موجود در سبک زندگی اسلامی و غربی، تلاش برای یافتن تعادل مناسب بین این دو سبک زندگی می‌تواند به توسعهٔ انسانی و اجتماعی در درازمدت کمک کند. این تحقیق نشان داد که تبادل فرهنگی و تلاش برای توسعهٔ مشترک ارزش‌های انسانی و اجتماعی، از قابلیت خوب و شایسته‌ای جهت بهبود شرایط جامعه و تعالی انسانی برخوردار است و به این ترتیب، زمینهٔ مناسبی برای تحقیقات و پژوهش‌های آتی مرتبط را میسر می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قرآن کریم .

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۳ق). عوالی اللئالی. مؤسسه سید الشهداء (ع.ج).

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. جامعه مدرسن.

احمدی نژاد، حسین. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی نظریه برخورد تمدن‌ها از دیدگاه هانتینگتون. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

اسکندر، بری. (۱۳۹۳). ما بعد از مدرنیته (یعقوب احمدی، مترجم). طرح نو.

اسمیت، جان. (۲۰۱۰م). ارزیابی ارزش‌های غربی. مجله علوم انسانی، ۱۵(۲)، صص ۷۲-۹۵.

آقاحسینی، علیرضا. (۱۳۹۱). ژان ژاک دریدا و سیر نزولی فلسفه سیاسی غرب. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۴(۲)، ۱۱۱-۱۳۷.

<https://doi.org/10.7508/isih.2012.14.006>

بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری (محمد زهیر بن ناصر، محقق). دار طوق النجاة.

بودریار، ژان. (۱۳۸۵). جامعه مصرفی (پیروز ایزدی، مترجم). ثالث.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۴ق). غررالحکم و درر الکلم. دفتر تبلیغات اسلامی.

جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۹). فلسفه و هدف زندگی. مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). سبک زندگی. انتشارات اسراء.

حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۶). الگوی سبک زندگی ایرانیان. مجمع تشخیص مصلحت نظام.

حسین‌زاده شانه چی، حسن. (۱۳۷۷). اروپا، تعاملات فرهنگی و نهضت ترجمه علوم اسلامی. مشکوة، ۱۷(۶۰-۶۱)، ۳۹-۶۳.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعة آل البيت.

خان، علی. (۱۳۹۵). ارزیابی تعامل اجتماعی در سبک زندگی اسلامی، مجله علوم اجتماعی، ۳(۱۲)، صص ۹۹-۱۱۷.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. روزه تهران.

دوست‌محمدی، احمد. (۱۳۸۰). انقلاب اسلامی: تجدید حیات، اسلام نظریه برخورد تمدن‌ها. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۵۴(۰)، ۷۷-۱۰۲.

رالز، جان. (۱۳۸۰). نظریه عدالت (عرفان ثابتی، مترجم). ققنوس.

رسا، امید؛ و فراهانی، محمد. (۱۳۹۹). تبیین علل تفاوت سبک زندگی اسلامی با سایر سبک‌های زندگی از دیدگاه قرآن کریم. دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن

نوین اسلامی، ۳(۱)، ۱۷۹-۲۱۰.

<https://doi.org/10.22070/nic.2021.5573.1030>

رشادی، محمدهادی. (۱۳۹۶). نسبت و مناسبات فرهنگ و تمدن (واکوی مفاهیم فرهنگ و تمدن بر اساس نسبت‌های چهارگانه و بررسی تأثیر و تأثیرات آن‌ها بر یکدیگر).

[پایان‌نامه دکتري، دانشگاه تهران]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج).

<https://ganj.irandoc.ac.ir/>

سبک، تیمونی. (۱۳۷۹). اسلام و دموکراسی (شعبانعلی بهرامپور؛ حسن محدثی، مترجمان). نشر نی.

الشریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (صبحی صالح، مصحح). دارالهجرة.

شریفی، احمدحسین. (۱۳۹۱). اخلاق و سبک زندگی اسلامی. نشر معارف.

شفیعی، سعید. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی سیاسی ماکس وبر. انتشارات طرح نو.

شهرام نیا، سید امیرمسعود. (۱۳۸۶). جهانی شدن و دموکراسی در ایران. نشر نگاه معاصر.

شوپنهاور، آرتور. (۱۳۷۸). اخلاق و سیاست در میان ملل (عزت‌الله فولادوند، مترجم). طرح نو.

شومیکر، اروین. (۱۳۹۰). تجمل‌گرایی (محمدرضا بانکی پور، مترجم). انتشارات صابرین.

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۸). من لا یحضره الفقیه. دفتر انتشارات اسلامی.

صانع‌پور، مریم. (۱۳۸۷). علم و دین؛ نقدی بر مبانی معرفت‌شناسی و اومانستی. دفتر نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

صدر، احمد. (۱۳۸۰). مفهوم تمدن و لزوم احیای آن در علوم اجتماعی. انتشارات هرمس.

صدوق، مسعود. (۱۳۹۶). بررسی سه تئوری تولید (ثروت، اطلاع و قدرت). عصر جوان.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). تفسیر المیزان. مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الامالی. دار الثقافة.

عالم، عبدالرحمان. (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. نشر نی.

عرفان، امیرمحسن. (۱۳۹۱). نقش باورداشت آموزه مهدویت در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلامی/پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی/. پرتال تمدن اسلامی.

<https://amena.bou.ac.ir/thesis>

عرفان، امیرمحسن؛ و بیات، علی. (۱۳۹۳). آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن. فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۵(۱۵)، ۷-۳۰.

فاضل قانع، حمید. (۱۳۹۱). سبک زندگی دینی و نقش آن در کار و فعالیت جوانان. فصلنامه مطالعات جوانان و رسانه، ۲(۶)، ۳۶-۶۳.

فروم، اریک. (۱۳۸۰). فرار از آزادی (عزت‌الله فولادوند، مترجم). خوارزمی.

فوکو، میشل. (۱۳۸۵). تاریخ جنون (فاطمه ولیانی، مترجم). هرمس.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر القمی (سید طیب موسوی جزایری، محقق). دارالکتاب.

کاظمی، علی اصغر. (۱۳۸۰). جهانی شدن فرهنگ و سیاست؛ نقد و تحلیل: نظری، معرفتی و شناختی. نشر قومس.

کانت، ایمانوئل. (۱۳۸۰). صلح پایدار (عزت‌الله فولادوند، مترجم). خوارزمی.

کاویانی، محمد. (۱۳۹۲). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کلینی، محمد یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. دار احیاء التراث العربی.

کمالی، احمد. (۱۳۹۵). نقد و بررسی دیدگاه‌های پیکتی در کتاب سرمایه در قرن ۲۱. مجله علوم انسانی، ۸۹، صص ۸۹-۱۱۰.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید (ناصر موفقیان، مترجم). نشر نی.

لاک، جان. (۱۳۸۰). رساله دوم درباره حکومت (عزت‌الله فولادوند، مترجم). طرح نو.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۱۰ق). بحار الانوار. مؤسسه آل البيت (ع).

محمدری شهری، محمد. (۱۳۸۴). میزان الحکمة. دار الحدیث.

مدنی، سیدجلال الدین. (۱۳۹۰). سبک زندگی از دیدگاه اسلام. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۵). نظریه سیاسی اسلام. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

موسوی، حسن. (۱۳۹۸). ارزیابی اخلاق در سبک زندگی اسلامی. نشریه اخلاق اسلامی، ۱۰(۱)، صص ۷-۲۷.

میل، جان استوارت. (۱۳۸۰). رساله درباره آزادی (عبدالکریم رشیدیان، مترجم). خوارزمی.

هال، مایکل. (۲۰۱۴م). تأثیر صنعتی شدن بر محیط زیست. نشریه محیط زیست و توسعه پایدار، ۳(۴)، صص ۱۰۱-۱۲۳.

هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۸۰). تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. (مینو احمدی سرتیپ، مترجم). کتاب‌سرا.

واتسون، جان. (۲۰۱۷م). تفکرات فلسفی غربی درباره تعامل اجتماعی. فصلنامه فلسفه و اندیشه، ۳(۲)، صص ۱۲۵-۱۴۳.

وبر، ماکس. (۱۳۹۰). اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری (عرفان ثابتی، مترجم). علمی و فرهنگی.

یوکیچی، فوکوتساوا. (۱۳۷۹). نظریه تمدن (چنگیز پلهوان، مترجم). نشر گبو.

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

A Similarities and Differences Between Islamic and Western Lifestyles with Emphasis on the Quran and the Hadiths of Ahl al-Bayt (A)

Sayyid Mahdi Hosseini¹  Sayyid Mahdi Mohammadi²  Sayyid Abbas Mousavi³ 

1. PhD Candidate in Islamic Jurisprudence and Islamic Studies, Specializing in Quranic Interpretation and Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)
2. Assistant Professor of Islamic Jurisprudence and Islamic Studies, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
3. Assistant Professor of Educational Jurisprudence, Higher Institute for Jurisprudential Studies, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Corresponding Email: mah_hosseini21@yahoo.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2024.451300.1339>

Introduction

Lifestyle encompasses a set of preferences, values, norms, consumption patterns, and perceptions that, as a shared and collective phenomenon, symbolically contribute to identity formation among individuals and societies. The scientific, cultural, social, and political transformations resulting from revolutions, the Renaissance, modernity, and the dominant principles of various philosophical schools in Western culture have shaped a distinct way of life for Western societies, which is now recognized as the Western lifestyle. Similarly, Muslims, relying on religious teachings and their indigenous culture, have developed what appears to be an Islamic lifestyle. While human experiences over time create commonalities in lifestyle beyond religious values and norms, commitment to religious principles in Muslim societies and the adoption of secular and materialistic approaches in Western civilization have led to distinct lifestyles. Given these differences, a comparative study of Islamic and Western lifestyles, particularly their foundations in Western civilization, becomes essential.

Methodology

Lifestyle can be considered a pattern of individual and social behaviors and practices shaped by beliefs, values, and cultural norms. As two dominant lifestyle models in the contemporary world, both Islamic and Western lifestyles share many commonalities while also exhibiting fundamental differences. This study adopts a descriptive-analytical method with a library-based approach to compare these two lifestyles, examining their similarities and differences based on Quranic verses and the hadiths of Ahl al-Bayt (A).

Findings

The research findings indicate that, in general, an analysis of the similarities and differences between Islamic and Western lifestyles reveals that both emphasize justice, freedom, human rights, peace, and humanitarianism as fundamental values for human and social development. These values align with Islamic teachings, which strongly emphasize ethics and human virtues. However, the study also highlights key differences between the Islamic and Western lifestyles, particularly in areas such as:

- Ethics and moral values



- Social interactions
- Cultural preferences and diversity
- Approach toward environmental responsibility

One of the most significant distinctions is that the Islamic lifestyle promotes values such as fairness, forgiveness, self-sacrifice, compassion, and justice, reinforcing both moral and human values. Islam's approach to environmental conservation and social interaction is proactive and influential, emphasizing responsibility and ethical commitment. Conversely, the Western lifestyle prioritizes the advancement of technology and economic growth as its core objectives. In policy-making and strategic planning, individual interests and personal well-being often take precedence over collective values and social welfare.

Conclusion

While both lifestyles uphold justice, freedom, human rights, peace, and humanitarian values, they present two distinct models in moral, cultural, social, economic, and political aspects. Islamic lifestyle places greater emphasis on ethical and human values, actively promoting them, while the Western lifestyle focuses primarily on technological and economic progress, often prioritizing individualism over collectivism. This study suggests that, despite their differences, developing shared human and social values and enhancing societal conditions and human excellence are achievable goals when considering both the similarities and differences of these two lifestyles. The findings can contribute to structuring and formulating appropriate policies to achieve these objectives. From a macro and future-oriented perspective, efforts to strike a balance between Islamic and Western lifestyles can significantly enhance human and social development in the long term. Furthermore, cultural exchange and collaboration in advancing shared human and social values offer a valuable framework for improving social conditions and human excellence, laying the foundation for future research and studies on this topic.

Keywords

Islamic civilization, Western civilization, lifestyle, Islam, West.

Author contributions

ADS: Writing - original draft, Writing - review & editing.

Conflict of interest

The author affirms that this research was conducted without any commercial or financial affiliations that could be interpreted as a potential conflict of interest.

Publisher's note

All claims expressed in this article are solely those of the authors and do not necessarily represent those of their affiliated organizations, or those of the publisher, the editors, and the reviewers. Any product that may be evaluated in this article, or claim that may be made by its manufacturer, is not guaranteed or endorsed by the publisher.

References

The Holy Quran.

Aḥmadī-Nejād, H. (2011). A Comparative Study of Huntington's Theory of the Clash of Civilizations. Imam Ṣādiq (A) University Press. [In Persian]

Ālam, A. (1994). Foundations of Political Science. Nashr-e Nī. [In Persian]

Al-Sharīf al-Raḍī, M. b. H. (1993). Nahj al-Balāghah (Ṣ. Ṣāliḥ, Ed.). Dār al-Hijrah. [In Arabic]

[Āqāhoseynī, A. \(2012\). Jean-Jacques Derrida and the Decline of Western Political Philosophy. Interdisciplinary Studies in Humanities, 4\(2\), 111–137.](#)

<https://doi.org/10.7508/isih.2012.14.006> [In Persian]

Baudrillard, J. (2006). The Consumer Society (P. Īzādī, Trans.). Sālis. [In Persian]

Bukhārī, M. b. I. (2001). Ṣaḥīḥ al-Bukhārī (M. Z. b. Nāṣir, Ed.). Dār Ṭawq al-Najāh. [In Arabic]

Dehkhodā, A. (1994). Dehkhuda Dictionary. Rūzne-ye Tehrān. [In Persian]

[Dūst-Mohammādī, A. \(2001\). The Islamic Revolution: Revival of Islam and the Theory of the Clash of Civilizations. Journal of the Faculty of Law and Political Science, 54\(0\), 77–102. \[In Persian\]](#)

[Fādīl Qānī, H. \(2012\). Religious Lifestyle and Its Role in Youth Employment and Activities. Quarterly Journal of Youth and Media Studies, 2\(6\), 36–63. \[In Persian\]](#)

Foucault, M. (2006). The History of Madness (F. Valiyanī, Trans.). Hermes. [In Persian]

Fromm, E. (2001). Escape from Freedom (I. Fūlādvand, Trans.). Khwārazmī. [In Persian]

Fukuzawa, Y. (2000). The Theory of Civilization (Ch. Pahlevān, Trans.). Gīv Publications. [In Persian]

Giddens, A. (2003). Modernity and Self-Identity: Society and Personal Identity in the New Age (N. Muvaffaqiyan, Trans.). Nashr-e Nī. [In Persian]

Hājīānī, I. (2007). The Iranian Lifestyle Model. Expediency Council Research Center. [In Persian]

Hall, M. (2014). The Impact of Industrialization on the Environment. Journal of Environment and Sustainable Development, 3(4), 101–123.

[Hosaynzādah Shānehchī, H. \(1998\). Europe, Cultural Interactions, and the Translation Movement of Islamic Sciences. Meshkāt, 17\(60-61\), 39–63. \[In Persian\]](#)

Huntington, S. (2001). The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order (M. Aḥmadī Sartīp, Trans.). Ketābsarā. [In Persian]

Ḥurr Āmilī, M. b. H. (1993). Wasā'il al-Shī'ah. Āl al-Bayt Institute. [In Arabic]

Ibn Abī Jumhūr, M. b. Z. (1983). 'Awālī al-la'ālī. Mu'assasat Sayyid al-Shuhadā' (A). [In Arabic]

Ibn Shu'bah Ḥarānī, H. b. A. (1984). Tuḥaf al-'uqūl. Jāme'a-ye Modarresīn. [In Arabic]

['Irfān, A. M. \(2012\). The Role of Mahdism Belief in the Formation of Islamic Culture and Civilization. \[MA Thesis, University of Islamic Sciences\]. Islamic Civilization Portal.](#)

<https://amena.bou.ac.ir/thesis> [In Persian]

['Irfān, A. M., & Bayāt, A. \(2014\). The Doctrine of the Islamic Ummah in the Quran and a Reevaluation of Its Cultural and Civilizational Potential. Scientific-Research Quarterly of the History of Islamic Culture and Civilization, 5\(15\), 7–30. \[In Persian\]](#)

Ja'farī, M. T. (2000). Philosophy and Purpose of Life. Institute for the Compilation and Publication of 'Allāmah Ja'farī's Works. [In Persian]

Javādī Āmulī, A. (2006). Lifestyle. Isrā Publications. [In Persian]

Kamālī, A. (2016). A Critical Review of Piketty's Views in "Capital in the 21st Century". Journal of Humanities, 89, 89–110. [In Persian]

Kant, I. (2001). Perpetual Peace (I. Fūlādvand, Trans.). Khwārazmī. [In Persian]

- Kāvyānī, M. (2013). Islamic Lifestyle and Its Measurement Tools. Hawza and University Research Institute. [In Persian]
- Kāzīmī, 'A. A. (2001). Globalization of Culture and Politics: A Theoretical, Epistemological, and Cognitive Critique and Analysis. Qūmus Publications. [In Persian]
- Khān, 'A. (2016). Assessing Social Interaction in the Islamic Lifestyle. Journal of Social Sciences, 3(12), 99–117. [In Persian]
- Kulaynī, M. b. Ya 'qūb. (1987). Al-Kāfī. Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Locke, J. (2001). Second Treatise of Government ('I. Fūlādvand, Trans.). Tarḥ-e Nū. [In Persian]
- Madanī, S. J. (2011). Lifestyle from the Perspective of Islam. Hawza and University Research Institute. [In Persian]
- Mahdavi Kanī, M. S. (2008). Religion and Lifestyle. Imam Ṣādiq (A) University Press. [In Persian]
- Majlisī, M. B. (1990). Biḥār al-Anwār. Āl al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Mill, J. S. (2001). On Liberty ('A. Rashīdīān, Trans.). Khwārazmī. [In Persian]
- Miṣbāḥ Yazdī, M. T. (2006). Islamic Political Theory. Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Muḥammadī Ray-Shahrī, M. (2005). Mīzān al-Ḥikmah. Dār al-Ḥadīth. [In Arabic]
- Mūsavī, Ḥ. (2019). Evaluation of Ethics in the Islamic Lifestyle. Islamic Ethics Journal, 10(1), 7–27. [In Persian]
- Qummī, 'A. b. I. (1988). Tafsīr al-Qummī (S. Ṭayyib Mūsavī Jazā'irī, Ed.). Dār al-Kitāb. [In Arabic]
- [Rasā, O., & Farāhānī, M. \(2020\). Explaining the Reasons for the Differences Between the Islamic Lifestyle and Other Lifestyles from the Perspective of the Holy Quran. Semi-Annual Journal of Fundamental Studies in Modern Islamic Civilization, 3\(1\), 179–210.](#)
- <https://doi.org/10.22070/nic.2021.5573.1030> [In Persian]
- [Rashādī, M. H. \(2017\). The Relationship Between Culture and Civilization: Analyzing the Concepts of Culture and Civilization Based on Fourfold Relations and Their Mutual Effects on Each Other. \[PhD Dissertation, University of Tehran\]. Iran Scientific Information Database \(Ganj\). https://ganj.irandoc.ac.ir/ \[In Persian\]](#)
- Rawls, J. (2001). A Theory of Justice ('I. Sābetī, Trans.). Qoqnūs. [In Persian]
- Ṣadr, A. (2001). The Concept of Civilization and the Necessity of Its Revival in Social Sciences. Hermes Publications. [In Persian]
- Ṣadūq, M. (2017). A Study of Three Theories of Production (Wealth, Information, and Power). Asr-e Javan. [In Persian]
- Ṣadūq, M. b. 'A. (1999). Man lā yaḥḍuruh al-faqīh. Daftar-e Nashr-e Islāmī. [In Arabic]
- Ṣānī'pūr, M. (2008). Science and Religion: A Critique of Epistemological and Humanistic Foundations. Institute for Cultural Knowledge and Contemporary Thought. [In Persian]
- Schopenhauer, A. (1999). Ethics and Politics Among Nations ('I. Fūlādvand, Trans.). Tarḥ-e Nū. [In Persian]
- Schumacher, E. (2011). Luxury (M. R. Bānki Pūr, Trans.). Ṣāberīn Publications. [In Persian]
- Seik, T. (2000). Islam and Democracy (Sh. Bahrapūr & Ḥ. Moḥaddithī, Trans.). Nashr-e Nī. [In Persian]
- Shafī'ī, S. (2019). Max Weber's Political Sociology. Tarḥ-e Nū. [In Persian]
- Shahramniyā, S. A. M. (2007). Globalization and Democracy in Iran. Nashr-e Nīgāh-e Mo'āṣir. [In Persian]
- Sharīfī, A. Ḥ. (2012). Ethics and Islamic Lifestyle. Ma'ārif Publications. [In Persian]
- Skinner, B. (2014). Postmodernity (Y. Aḥmadī, Trans.). Tarḥ-e Nū. [In Persian]
- Smith, J. (2010). Assessing Western Values. Journal of Humanities, 15(2), 72–95. [In English]
- Ṭabāṭabā'ī, S. M. Ḥ. (1970). Tafsīr al-Mīzān. Mu'assasat al-'Alamī lil-Maṭbū'āt. [In Arabic]
- Tamīmī Āmadī, 'A. b. M. (1993). Ghurar al-ḥikam wa durar al-kalim. Daftar-e Tablīghāt-e Islāmī. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. b. Ḥ. (1993). Al-Amālī. Dār al-Thaqāfa. [In Arabic]

Watson, J. (2017). Western Philosophical Thoughts on Social Interaction. Quarterly Journal of Philosophy and Thought, 3(2), 125–143.

Weber, M. (2011). The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism ('I. Sābetī, Trans.). 'Ilmī va Farhangī. [In Persian]

How to cite:

Hosseini, SM ; Mohammadi, SM ; Mousavi, SA. (2025). Similarities and Differences Between Islamic and Western Lifestyles with Emphasis on the Quran and the Hadiths of Ahl al-Bayt (A). Quran, Culture And Civilization, 6 (1), 89 -110. doi: 10.22034/jksl.2024.451300.1339

